

## واژه‌بست و روابط دستوری معنایی آن با فعل در زبان کردی (گوش سورانی)

\* فاطمه دانش پژوه  
دانشگاه پیام نور

\* زینب محمدابراهیمی  
دانشگاه شهید بهشتی

### چکیده

در این مقاله به بررسی مقوله واژه‌بست‌ها در زبان کردی (گوش سورانی، گونه مه‌آبادی) پرداخته می‌شود. سؤال اصلی این تحقیق این است که واژه‌بست و روابط دستوری و معنایی آن با فعل در این گوش چیست؟ واژه‌بست در نمودار درختی (براساس نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی) چه جایگاهی دارد؟ روابط دستوری و معنایی میان فعل و ضمایر وابسته به آن پیرامون انگاره‌های حالت‌نمایی و مطابقت در زبان کردی چگونه است؟ در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از شیوه‌های میدانی، کتابخانه‌ای و شم زبانی استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های توصیفی و تحلیل محتوایی استفاده شده است. نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که در این زبان واژه‌بست‌ها به لحاظ نحوی آزاد و به لحاظ آوایی وابسته هستند. از آنجا که واژه‌بست‌ها از ویژگی موضوع‌های فعل برخوردارند می‌توانند یک گره نحوی جداگانه را در نمودار درختی به خود اختصاص دهند. علاوه بر موارد فوق هرچند گوش سورانی انگاره بنیادین ارکتیو - گسسته را در نظام زبانی خود متجلی می‌سازد نظام ارکتیو در این گوش هم به لحاظ حالت و هم به لحاظ مطابقت دستخوش تغییر شده است. در مقطع کنونی ویژگی‌های نحوی این گوش در سطح - ساخت منطبق بر هیچ کدام از ویژگی زبان‌های فاعلی - مفعولی و ارکتیو نیست. در زمان گذشته هرگاه ضمایر متصل به عنوان موضوع‌های درونی و برونی فعل تظاهر یابند فاعل لازم می‌تواند مفعول فعل متعدی قرار گیرد و در سطح آوایی فعل یا با مفعول مطابقت دارد یا با مفعول اضافه. فاعل نیز در رابطه دستوری با فعل در حالت خنثی قرار دارد.

کلیدواژه‌ها: واژه‌بست، نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، مطابقت، حالت‌نمایی، ارکتیو

### Clitics and their Semantic – Syntactic Relations to Verbs in Kurdish (Surani Dialect)

Zeinab Mohammad Ebrahimi  
Assistant Professor, Department of Linguistics  
Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University

Fateme Danesh Pazhoh  
M.A, Department of Linguistics  
Payam-e Nour University

#### Abstract

In this article clitics, in Kurdish (Surani dialect, Mahabadi variety) is studied. The main research question is: What are clitics and their grammatical and semantic relations to verbs in this dialect? What is the position of clitics (according to Government and Binding Theory) in tree diagrams? What are the grammatical and semantic relations between a verb and its related pronouns based on case marking and agreement pattern in Kurdish? In this research, to gather the data, we used field, library method and intuitions as well. To analyse the data, we used descriptive and content analysis. The obtained results show that in this language clitics are free syntactically and bound phonologically. Since they are verb arguments, they can allocate a specific node in the tree diagram for themselves. Although Surani dialect shows split ergativity in its language system, the ergative system has changed with regard to both case and agreement. At present, syntactic features of this dialect at s-structure does not show any agreement with nominative-accusative languages, nor with ergative ones. In the past tense, when bound pronouns are realized as an external or internal argument of a verb, intransitive subject can be realized as the object of the transitive verb. At PF a verb either agrees with accusative object or with oblique object. Subject is in neutral mood in its relation to the verb.

Keywords: Clitics, Government and Binding Theory, Agreement, Case Marking, Ergative

\* دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس. استادیار گروه زبان‌شناسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی.  
\*\* کارشناسی ارشد زبان‌شناسی.

## 1 - مقدمه

این پژوهش برای نیل به اهداف زیر انجام شده است:

- 1 - بررسی واژه‌بست‌ها در زبان کردی
- 2 - بررسی جایگاه واژه‌بست‌ها در نمودار درختی براساس نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی
- 3 - بررسی روابط دستوری و معنایی میان فعل و ضمایر پیوسته
- 4 - بررسی گویش سورانی براساس نظام ارگتیو
- 5 - به دست آوردن اطلاعات علمی در خصوص زبان‌های ایرانی از جمله زبان کردی

پل.آر.کروگر (2005: 316) در تعریف از واژه‌بست‌ها می‌نویسد: واژه‌بست‌ها یک صورت زبانی هستند که هم به کلمات مستقل شبیه هستند و هم به وندها. وی کلمات را به دو دسته تقسیم می‌کند: کلمات آوایی<sup>1</sup> و کلمات نحوی<sup>2</sup>. کلمات آوایی کوچکترین پاره گفتار ممکن در زبان‌اند که از یک یا چند سیلاب تشکیل شده‌اند و کلمات نحوی کوچکترین سازه ممکن در زبان هستند که می‌توان حرکت کنند و جانشین سازه دیگر شوند و یا توسط عملکردهای نحوی حذف شوند.

وی معتقد است که واژه‌بست‌ها به لحاظ نحوی آزاد هستند به این معنا که قواعد نحوی حاکم بر واژه‌بست‌ها همانند یک کلمه مستقل عمل می‌نمایند و به لحاظ آوایی یا مستقل هستند یا وابسته. اگر واژه‌بست‌ها وابسته باشند طوری تلفظ می‌شوند گویی وندهایی هستند که در کنار کلمه قرار می‌گیرند.

وی (همان: 318) اضافه می‌نماید صورت‌هایی<sup>3</sup> مانند «I,m» و «She,II» که مخفف صورت‌های «I am» و «She will» هستند به لحاظ نحوی دو کلمه جدا از هم هستند، یک ضمیر فاعلی و یک فعل کمکی، ولی به لحاظ آوایی همانند یک کلمه واحد تلفظ می‌شوند.

واژه‌بست‌ها در گویش سورانی جزء لاینفک ساختار جملات در زمان گذشته هستند. واژه‌بست‌ها با وارد شدن در فرایند تصریف، مبنای ساخت افعال متعدی در زمان گذشته می‌شوند ولی اگر فعل همراه با مفعول باشد واژه‌بست‌ها به مفعول می‌پیوندند. واژه‌بست‌ها به لحاظ نحوی آزاد هستند به این معنا که قواعد نحوی حاکم بر واژه‌بست‌ها همانند یک کلمه مستقل عمل می‌نمایند و به لحاظ آوایی نیز وابسته هستند. به این معنا که واژه‌بست‌ها در زبان

کردی<sup>1</sup> یک صورت زبانی هستند که هرگز به طور مستقل عمل نمی‌نمایند. علاوه بر موارد فوق هرگاه ضمایر منفصل به عنوان موضوع برونی فعل (فاعل) و موضوع درونی فعل (مفعول صریح) تظاهر یابد، در سطح ر - ساخت از حالت ساختوازی یکسانی برخوردارند و به عبارتی به لحاظ حالت‌نمایی ساختوازی منطبق بر هیچ کدام از ویژگی زبان‌های فاعلی - مفعولی و ارگتیو نیست ولی در زمان گذشته هرگاه ضمایر متصل به عنوان موضوع‌های درونی و برونی فعل تظاهر یابند فاعل لازم می‌تواند مفعول فعل متعدی قرار گیرد و در سطح آوایی فعل یا با مفعول مطابقت دارد یا با مفعول حرف اضافه. فاعل نیز در رابطه دستوری با فعل در حالت خنثی قرار دارد.

## 2 - ضمایر شخصی در گویش سورانی (مهابادی)

ضمایر شخصی در کردی مهابادی دو گونه است: الف) ضمایر شخصی منفصل ب) ضمایر شخصی متصل

## 3 - ضمایر شخصی منفصل در گویش سورانی (مهابادی)

ضمایر شخصی منفصل در کردی مهابادی در نقش‌های فاعلی، مفعول صریح، مفعول غیرصریح و نقش اضافه تظاهر می‌یابند. که عبارتند از:

جدول شماره 1 - ضمایر منفصل در گویش سورانی (مهابادی)

شمار شخص	مفرد	جمع
اول شخص	"من" ?amin	"ما" ?ama
دوم شخص	"تو" ? atō	"شما" ?angō
سوم شخص	"او" ?aw	"آن‌ها" ?awān

1 - زبان کردی از دسته زبان‌های ایرانی شمال غربی به‌شمار می‌رود که خود شاخه‌ای از زبان‌های هندو و ایرانی متعلق به خانواده زبان‌های هند و اروپایی است و به لحاظ جغرافیایی یکی از زبان‌های موجود در خاورمیانه است که در قسمت‌هایی از ایران، سوریه، عراق و ترکیه به آن تکلم می‌شود.

## 3 - ضمایر شخصی متصل در گویش سورانی (مه‌بادی)

ضمایر شخصی متصل در زبان کردی گویش سورانی دو نوع است ضمایر نوع اول «واژه بست»<sup>2</sup>های زبان کردی و ضمایر متصل نوع دوم شناسه‌های<sup>3</sup> زبان کردی هستند.

نوع اول:

جدول شماره 2 - واژه بست‌های گویش سورانی

شمار شخص	مفرد	جمع
اول شخص	- em م	- mân مان
دوم شخص	- et ت	- tân تان
سوم شخص	- i ی	- yân یان

نوع دوم:

جدول شماره 3 - شناسه‌های گویش سورانی

شمار شخص	مفرد	جمع
اول شخص	- em م	- in ین
دوم شخص	- i (یت) (یت)	- en ین
سوم شخص	- Ø، (ی ت)، 1 (ات)، ت - Ø (-ēt) ē (-ât) t	- en ین

2 - شناسه‌ها معمولاً فقط به فعل می‌پیوندند ولی واژه‌بست‌ها به اسم، فعل و یا ضمایر دیگر می‌پیوندند و برخی از نقش‌های فرعی اسم را در زنجیره گفتاری به عهده می‌گیرند.

#### 4- ویژگی‌های ضمایر متصل نوع اول (واژه‌بست‌ها) در گویش سورانی

به نظر می‌رسد ضمایر متصل شخصی یکی از پیچیده‌ترین ویژگی‌های دستور زبان کردی (سورانی و هورامی) باشند.

در بیشتر زبان‌ها، شناسه‌ها به وندی اطلاق می‌شود که معمولاً در پایان ستاک فعلی قرار می‌گیرند و تنها نقش فاعلی دارند و واژه‌بست‌ها به صورت پسوند به اسم، فعل و حروف اضافه می‌پیوندند ولی در زبان کردی واژه‌بست و شناسه‌ها نه تنها در پذیرفتن نقش‌های مختلف بلکه در پذیرفتن جایگاه‌های مختلف نیز بسیار فعال هستند.

هایگ (2004: 223) در مورد ویژگی‌های واژه‌بست‌ها می‌نویسد: ضمایر متصل در این گویش به عنوان یک سازه اسمی با کارکردهای نحوی جداگانه به کار گرفته می‌شوند به طوری که شناخت ساختارهای نحوی در این گویش به شناخت ضمایر متصل بستگی دارد.

#### 5- قواعد حاکم بر واژه‌بست‌ها

**قانون یک:** هر ساختاری در زمان گذشته به یک واژه‌بست نیاز دارد خواه فاعل متعدی در جمله باشد یا نباشد.

1. Sēw - yân χwârd. "سیب خوردند"  
2. Târâ u? âgrîn sēw-yân χwârd. "تارا و آگرین سیب خوردند"

**قانون دو:** واژه‌بست‌ها به فاعل متعدی در زمان گذشته نمی‌پیوندند.

3. Târâ sēw - i χwârd. "تارا سیب خورد"  
4. \*Târâ - i sēw χwârd. یک جمله غیردستوری

**قانون سه:** واژه‌بست‌ها تمایل دارند چپ‌ترین سازه را در گروه اسمی به خود اختصاص دهند.

5. Sēw - mân χwârd. "سیب خوردیم"  
6. Sēw - mân dwēnē χwârd. "سیب را دیروز خوردیم"  
7. dewēne - mân sēw χwârd. "دیروز سیب خوردیم"

هرگاه افزوده در ابتدای جمله قرار گیرد جایگاه ضمیر فاعلی اختیاری است ولی اگر متمم در ابتدای جمله قرار گیرد جایگاه ضمیر فاعلی اختیاری نیست و همیشه ضمیر به متمم می‌پیوندد.

8. dewēnē - mân sēw χwârd. "دیروز سیب خوردیم."  
 9. dewēnē sēw – mân χwârd. "دیروز سیب خوردیم."  
 10. sēw dewēnē – mân χwârd. یک جمله غیردستوری.

**قانون چهارم:** هرگاه ضمائر در جایگاه مفعول حرف اضافه قرار گیرند حروف اضافه تمایل دارند در جایگاه قبل از فعل قرار گیرند.

11. ?āw - m bo hēnâ - n. "برایتان آب آوردم"  
 مفعول حرف اضافه ضمیر فاعلی آب

### 6- ویژگی‌های شناسه‌ها در گویش سورانی (مه‌بادی)

پیشتر به این نکته اشاره شد که ضمائر متصل نوع دوم شناسه‌های گویش سورانی هستند ولی به لحاظ اهمیت زمان‌ها در ساختار ارگتیو به ویژه در گویش سورانی شناسه‌ها را به دو گروه تقسیم می‌کنیم. گروه اول شناسه‌هایی هستند که به افعال مضارع می‌پیوندند و گروه دوم شناسه‌هایی هستند که به ستاک افعال ماضی می‌پیوندند این شناسه‌ها در سوم شخص مفرد باهم متفاوت هستند، سوم شخص مفرد به جز در زمان گذشته اخباری کامل که پایانه [a] می‌گیرد از پایانه صفر برخوردارند.

این شناسه‌ها در جدول زیر نمایانده شده است:

جدول شماره 4 - شناسه‌های گروه اول و دوم گویش سورانی

شناسه‌های گروه دوم [Set2]	شناسه‌های گروه اول [Set1]	شخص و شمار
- em	- em	1. ش. م
- i(t)	- i (t)	2. ش. م
∅ / - â	- t / -â/-âtl/-êl/-ēt	3. ش. م
- in	- in	1. ش. ج
- en	- en	2. ش. ج
- en	- en	3. ش. ج

در کردی مه‌بادی شناسه‌ها نه تنها در نقش فاعلی، بلکه در نقش‌های مفعول صریح، مفعول غیرصریح و نقش ملکی نیز تظاهر می‌یابند.

### 7 - رابطه شناسه‌ها و واژه‌بست‌ها با موضوع درونی فعل (مفعول صریح)

در گویش سورانی (مهابادی) شناسه‌ها به عنوان موضوع درونی (مفعول صریح) فعل متعدی در زمان گذشته و واژه‌بست‌ها به عنوان موضوع درونی فعل در زمان حال به کار می‌رود بنابراین ضمائر متصل شخصی مفعولی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

1 - ضمائر متصل مفعولی به عنوان موضوع درونی فعل در زمان گذشته (شناسه‌های گروه دوم)

2 - ضمائر متصل مفعولی به عنوان موضوع درونی فعل در زمان حال (واژه‌بست‌ها) در جدول زیر ضمائر متصل مفعولی زمان گذشته با ذکر مثال نمایانده شده است:

جدول شماره 5 - ضمائر متصل مفعولی زمان گذشته (گویش سورانی)

شخص و شمار	شناسه‌ها	معنی	ضمائیر مفعولی	ضمائیر فاعلی	سناک فعل
1. ش. م	= em	من را بردند	- em	- yân	bird
2. ش. م	= i	ترا بردند	- i	- yân	bird
3. ش. م	= Ø	او را بردند	- Ø	- yân	bird
1. ش. ج	= in	ما را بردند	- in	- yân	bird
2. ش. ج	= en	شما را بردند	- en	- yân	bird
3. ش. ج	= en	آن‌ها را بردند	- en	- yân	bird

در جدول زیر نیز ضمائر متصل مفعولی زمان حال با ذکر مثال نمایانده شده است:

جدول شماره 6 - ضمائر متصل مفعولی زمان حال (گویش سورانی)

شخص و شمار	واژه‌بست	معنی	ضمائیر فاعلی	سناک فاعلی	ضمائیر مفعولی	پیشوند فعلی
1. ش. م	= m	“من را بردند”	- en	- ba	- m	da
2. ش. م	= t	“ترا می‌برند”	- en	- ba	- t	da
3. ش. م	= i	“او را می‌برند”	- en	- ba	- i	da
1. ش. ج	= mân	“ما را می‌برد”	- en	- ba	- mân	da
2. ش. ج	= tân	“شما را می‌برد”	- en	- ba	- tân	da
3. ش. ج	= yân	“آن‌ها را می‌برد”	- en	- ba	- yân	da

### 8 - بررسی ضمائر و ساختار ارگتیو در گویش سورانی (مهبادی)

در اینجا به علت تمایز مطابقه فعلی بین ضمائر متصل و منفصل در زمان گذشته و همچنین نوع حالت‌نمایی، این دو دسته از ضمائر به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. شایان ذکر آن که ضمائر منفصل در گویش سورانی در جایگاه نخستین به عنوان یک نهاد اختیاری در جملات به کار می‌رود.

### 8 - 1 - بررسی ضمائر منفصل براساس حالت

در کردی مهبادی هرگاه ضمائر منفصل به عنوان موضوع درونی و برونی فعل در جمله تظاهر یابند، تمایزی به لحاظ ساختوازی بین فاعل لازم، فاعل متعدی و مفعول در زمان گذشته و حال مشاهده نمی‌شود. چنین ویژگی در زبان‌های فاعلی - مفعولی و زبان‌های ارگتیو مشاهده نمی‌شود این امر می‌تواند بیانگر تنوع رده‌شناختی حالت‌نمایی در زبان‌ها باشد. مثال‌های زیر بیانگر چنین ویژگی هستند:

#### زمان حال

12. awân da - rō - n . ..... "آن‌ها می‌روند"  
حالت مستقیم awân .....  
فاعل لازم د
13. awân guḷ - i da - kir - en ..... "آن‌ها گل می‌خرند"  
حالت مستقیم awân .....  
فاعل متعدی د
14. Târâ awân da - bîn - ē ..... "تارا آن‌ها را می‌بیند"  
حالت مستقیم awân .....  
مفعول د

#### زمان گذشته

15. awân rōyšt - en. .... "آن‌ها رفتند"  
حالت مستقیم awân .....  
فعل لازم د
16. awân guḷ - yân kirî. .... "آن‌ها گل خریدند"  
حالت مستقیم awân .....  
فاعل متعدی د
17. amen awân - m dît. .... "من آن‌ها را دیدم"  
حالت مستقیم awân .....  
ضمیر فاعلی - مفعول د

براساس مثال‌های فوق در می‌یابیم که فاعل لازم و فاعل متعدی صورت یکسانی با مفعول فعل متعدی در زمان گذشته و حال دارند.  
حالات فوق در جدول زیر نمایانده شده است:



## جدول شماره 7 - ضمایر منفصل براساس حالت ساختوازی (گوشش سورانی)

فاعل لازم	فاعل متعدی	مفعول
حالت مستقیم	حالت مستقیم	حالت مستقیم

## 8 - 2 - بررسی ضمایر منفصل براساس مطابقت

تمام افعال لازم (گذشته یا حال) و همچنین افعال متعدی در زمان حال به لحاظ شخص و شمار با فاعل مطابقت دارند بنابراین در زمان حال افعال بر مبنای انگاره فاعلی - مفعولی صرف می‌شوند. ولی در زمان گذشته در سطح ر - ساخت فعل نه با فاعل مطابقت ندارد و نه به مفعول.

مثال‌های زیر در برگیرنده چنین ویژگی هستند:

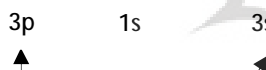
## زمان گذشته

”من ترا دیدم“

18. ?amen ?atō - m dīt - ø



19. ?awân ?amen - yân dīt - ø



”آن‌ها من را دیدند“

باتوجه به مثال‌های فوق در می‌یابیم که فعل نه با مفعول مطابقت دارد نه با فاعل.

## 8 - 3 - بررسی ضمایر متصل براساس حالت

در کردی مه‌بادی هرگاه ضمایر متصل (شناسه‌ها، واژه‌بست‌ها) به عنوان موضوع درونی و برون‌ی فعل تظاهر یابند، در زمان گذشته فاعل لازم می‌تواند مفعول فعل متعدی قرار گیرد. کلباسی معتقد است که کاربرد ضمایر به جای شناسه در نقش فاعلی می‌تواند باعث دسته‌بندی زبان‌های ایرانی و ارگتیو و غیرارگتیو گردد که چنین ویژگی در کردی مه‌بادی مشاهده می‌شود. به مثال‌های زیر توجه نمایید:

20. rōyšt - e ..... em ← فاعل لازم - اول شخص مفرد  
ضمیر فاعلی "رفتم"
21. dīt - yān - em ..... em ← مفعول - اول شخص مفرد  
ضمیر مفعولی - ضمیر فاعلی "مرا دیدند"
22. rōyšt - en ..... en ← فاعل لازم - سوم شخص جمع  
ضمیر فاعلی "رفتند"
23. dīt - yān - en ..... en ← مفعول - سوم شخص جمع  
ضمیر مفعولی "آنها را دیدند"

براساس مثال‌های فوق در می‌یابیم فاعل لازم می‌تواند مفعول فعل متعدی قرار گیرد که از ویژگی‌های برجسته زبان‌های ارگتیو است.

#### 8 - 4 - ضمائر متصل براساس مطابقت

در این گویش در ساختارهایی که ضمائر متصل به عنوان فاعل و مفعول در جمله تظاهر یابند در زمان گذشته در سطح آوایی فعل یا با مفعول مطابقت دارد یا با مفعول حرف اضافه‌ای ولی در زمان حال فعل با فاعل مطابقت دارد. مثال‌های زیر در برگیرنده چنین ویژگی است.

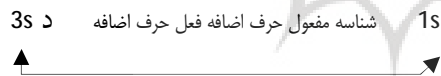
24. (? awān) dīt - yān - im. "مرا دیدند"



در مثال فوق، فعل با مفعول مطابقت دارد نه با فاعل.

حال به مثال زیر توجه نمایید که فعل با مفعول حرف اضافه‌ای مطابقت دارد.

25. Tārā kitēb - aka - y le stānd - em. تارا کتاب را از من گرفت.



#### 9 - بررسی و تحلیل مطابقت فعلی در زبان کردی

##### 9 - 1 - بررسی و تحلیل مطابقت بر مبنای حالت‌نمایی

اگر مطابقت فعلی را در زبان کردی بر مبنای حالت‌نمایی توجیه کنیم، در زبان کردی، هم در زمان گذشته و هم در زمان حال فعل با آن گروه اسمی مطابقت دارد که در حالت مستقیم و به عبارتی در حالت فاعلی / مطلق<sup>4</sup> قرار دارد.

4 - حالت فاعلی و مطلق هر دو حاکی از بی‌نشان بودن گروه اسمی است.

مثال:

26. ?amen sēw - i da - xo - m (حال) من سبب می‌خورم.

اول شخص مفرد - حالت مستقیم - من

27. ?amen Tārā - m dīt - Ø من تارا را دیدم. (گذشته)

حالت مستقیم (مفعول)

در جمله (26) فعل در برگیرنده دو گروه اسمی مستقیم و غیرمستقیم است که در آن فعل با آن گروه اسمی که در حالت مستقیم قرار دارد مطابقت دارد ولی جمله (27) فعل در برگیرنده هیچ نوع وندی نیست که با فاعل مطابقت دارد یا به مفعول. اما به دلایل زیر می‌توان گفت که ضمیر (?amen) در این جمله نیز از حالت انتزاعی ارگتیو برخوردار است و مفعول از حالت مطلق، و به عبارتی در ژ - ساخت از مطابقت فعل با مفعول برخوردار است:

1 - فاعل در رابطه دستوری با فعل در حالت خنثی قرار دارد، بنابراین رفتاری همانند فاعل‌های ارگتیو را دارد.

2 - مفعول در زمان گذشته همیشه در حالت مستقیم و به عبارتی در حالت مطلق قرار دارد.

3 - براساس دلایل تاریخی و نگاه تقابلی در گویش‌های دیگر زبان کردی از جمله هورامی می‌توان گفت که در گذشته گویش سورانی مطابقت فعل با مفعول را در نظام زبانی خود در برداشته است، که با گذر زمان فعل وندی را که در بردارنده مطابقت فعل با مفعول است از دست داده است، در این باب به مثال‌های زیر توجه نمایید:

28. to - m dī - Ø ترا دیدم.

مفعول - دوم شخص مفرد

29. ?amn - et dī - Ø من را دیدی.

مفعول - اول شخص مفرد

جملات فوق با همین ساختار و با همین معنا و مفهوم در گویش هورامی نیز کاربرد دارد با این تفاوت که علاوه بر بکارگیری صورت‌های فوق، مطابقت فعل با مفعول را در سطح ر - ساخت نیز متظاهر می‌سازد و به عبارتی مطابقت فعل با مفعول به صورت اختیاری به کار می‌رود:

30. To - m dī - Ø ← → to - m dī - e  
دوم شخص مفرد دوم شخص مفرد31. ?amn - et dī - Ø ← → ?amen - et dī - ane  
دوم شخص مفرد اول شخص مفرد

بکارگیری اختیاری مطابقت فعل با مفعول بیانگر آن است که در طی گذر زمان گویش هورامی نیز مطابقت فعلی را یا مفعول در سطح ر - ساخت از دست می‌دهد، و چنین مطابقت بر این امر تأکید دارد که مطابقت فعل با مفعول در گویش سورانی نیز وجود داشته که با گذر زمان منسوخ شده است.

4 - کاربرد مطابقه فعل با مفعول توسط گویشوران کهنسال و همچنین گویشورانی که در مناطق دورافتاده‌ای از مهاباد زندگی می‌کنند.  
با توضیحات فوق می‌توان به یک نتیجه کلی رسید که مطابقه فعل با فاعل تنها در صورتی است که از حالت فاعلی برخوردار باشد در غیر این صورت مطابقه فعل با مفعول به وقوع می‌پیوندد.

### 10- بررسی و تحلیل مطابقه در گویش سورانی (کردی مهابادی)

در کردی مهابادی با سه نوع مطابقه در سطح ر - ساخت مواجه هستیم:

1 - فعل در سطح ر - ساخت نه با فاعل مطابقت دارد نه با مفعول

32. ?amen sēw - aka - m xwārd - Ø من سیبها را می‌خورم.  
مفعول جمع - سیب فاعل - اول شخص مفرد (من)

جمله فوق نشانگر آن است که فعل در برگزیده هیچ وندی نیست که با فاعل یا با مفعول مطابقت داشته باشد.

2 - فعل در سطح آوایی با مفعول مطابقت دارد.

33. bird - yān - em من را بردند.

مفعول فاعل فعل

در مثال فوق چند نکته حایز اهمیت است:

- چنین مطابقه‌ای تنها در صورتی نمود پیدا می‌کند که موضوع‌های درونی فعل (مفعول صریح) و برونی فعل (فاعل) هر دو در قالب ضمیر متصل تظاهر یابند در غیر این صورت چنین مطابقه‌ای در ر - ساخت مشاهده نمی‌شود.
- فعل در ابتدای جمله قرار گیرد.
- در چنین مطابقه‌ای فقط شناسه‌های گروه دوم در مطابقه فعلی به کار می‌روند، در حالی که در جملات گذشته شناسه‌ها نقشی در مطابقه فعلی ایفا نمی‌کنند، پس می‌توان به یک نتیجه رسید که «em» در این جمله فقط نقش موضوع را دارد نه شناسه فعلی، براساس توضیحات فوق می‌توان چنین نگاشت که موضوع‌های درونی و برونی قبل از فعلی قرار دارند که از پایانه صفر برخوردار است ولی در سطح صورت آوایی<sup>5</sup> به جایگاه‌های بعد از فعل حرکت کرده‌اند.<sup>6</sup>

5 - *Phonetic Form* (= PF)

6 - چنین حرکتی مطابق با حرکتی است که دیوید امبیک (*David Embick*) تحت عنوان *Morement operation* (عملکرد حرکت بعد از نحو) به آن اشاره دارد.

34. Tj - ti bird - yâni - emj



3 - فعل در سطح روساخت با مفعول حرف اضافه مطابقت دارد.

35. sēw - aka - yân Le stând - em.

سیب را از من گرفتند.

مفعول حرف اضافه حرف اضافه مفعول صریح

بر اساس نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، شرط کمینگی (کمترین فاصله بین هسته و گره حاکمیت‌پذیر) یکی از اصولی است که در حاکمیت باید رعایت شود و به عبارتی A بر B حاکم است که هیچ مانعی از جنس Z (حاکم بالقوه) نباشد. در جمله فوق نیز فعل «stând» (گرفتن) که یک حاکم بالقوه است مانعی برای حاکمیت حرف اضافه «Le» است.

پس می‌توان گفت در سطح ژ - ساخت گروه اسمی حرف اضافه «em» کمترین فاصله را با حاکم خود یعنی حرف اضافه دارد که بعداً در سطح آوایی به آن جایگاه حرکت کرده است بنابراین می‌توان گفت در سطح ر - ساخت فعل از پایانه صفر برخوردار است که بعد در سطح آوایی تغییر کرده است.

36. Sēw - aka - yân Le ti stând - emi



ولی احتمال دارد ژ - ساخت‌های یکسانی نداشته باشند چون حرف اضافه «Le» تبدیل به «La» شده است و از طرفی ضمیر متصل «em» تبدیل به ضمیر منفصل «min» شده است. علاوه بر موارد فوق، همچنان‌که در بخش ضمائر اشاره شد، مضاف‌الیه در جایگاه بعد از فعل نیز قرار می‌گیرد.

جمله فوق را با همین معنا می‌توان به صورت زیر نیز بیان کرد:

37. Sēw - aka - yân La min Stând - Ø

من حرف اضافه

38. birāk - y dīt - em

برادرم را دید

مضاف‌الیه (من) مضاف (برادر)

در مثال فوق نیز نمی‌توان گفت که em یک وند فعلی نیست بلکه یک گروه اسمی که در نقش ملکی ظاهر شده است.

بنابراین:

در مقطع کنونی گویش سورانی (کردی مهابادی) در سطح ر - ساخت فاقد هرگونه ارزش مطابقت است زیرا فعل در برگیرنده هیچ وندی نیست که با فعل یا با مفعول مطابقت داشته باشد،

زبان‌شناسان فعلی را که از پایانه صفر برخوردار است به صورت پیش فرض سوم شخص مفرد تلقی می‌نمایند، ولی به نظر نگارنده نامگذاری سوم شخص مفرد فاقد هرنوع ارزش مطابقه و معنا است.

### 11- بررسی ساخت‌های غیرفاعلی - مفعولی براساس نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی

یکی از مهمترین اصول نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی اصل فراقنی است که اصل مشترک تمام زبان‌های دنیا است. اصل فراقنی به معنای این است که «اطلاعات واژگانی دارای باز نمود نحوی هستند».

کالن فلیپس<sup>7</sup> ساختار ارگتیو را براساس اصل فراقنی توجیه و تبیین می‌کند، وی می‌گوید براساس آن که فاعل لازم و فاعل متعدی رفتار متفاوتی به لحاظ حالت و مطابقه دارد دو دیدگاه وجود دارد:

1 - تعدی فعل مستقیماً عهده‌دار این واقعیت است که فاعل‌ها رفتار متفاوتی باهم دارند، در چنین شرایطی ما انتظار دو نوع فاعلی را داریم که ژ - ساخت‌های متفاوتی باهم دارند.

2 - یک عامل نحوی مستقل مانند اصل فراقنی عهده‌دار تفاوت در رفتار فاعل‌ها است. فلیپس دیدگاه اول را رد می‌کند و معتقد است که اگر تعدی فعل عهده‌دار تفاوت در رفتار فاعل‌ها باشد ما انتظار دو نوع فاعلی را داریم که همیشه رفتار متفاوتی به لحاظ حالت و مطابقه داشته باشند، اما اگر اصل فراقنی عهده‌دار تقابل بین فاعل‌ها باشد، تنوع در رفتار فاعل‌ها می‌تواند توجیه شود، همچنان‌که اصل فراقنی توانسته است عامل‌های دیگری همچون، غیرموضوع<sup>8</sup> را توجیه کند.

وی در بخش دیگری تفاوت‌های مطابقه را براساس تئوری حالت «مشاهده تعمیم یافته»<sup>9</sup> که توسط شلونوسکی<sup>10</sup> در سال 1991 ارائه شده است توجیه می‌کند: مشاهده تعمیم یافته:

اگر X یک عامل بالقوه حالت‌دار باشد X می‌تواند در سطح  $\alpha$  تفسیر شود، اگر و فقط اگر X در همان سطح  $\alpha$  حالت داشته باشد<sup>11</sup>.

7 - Colin philips

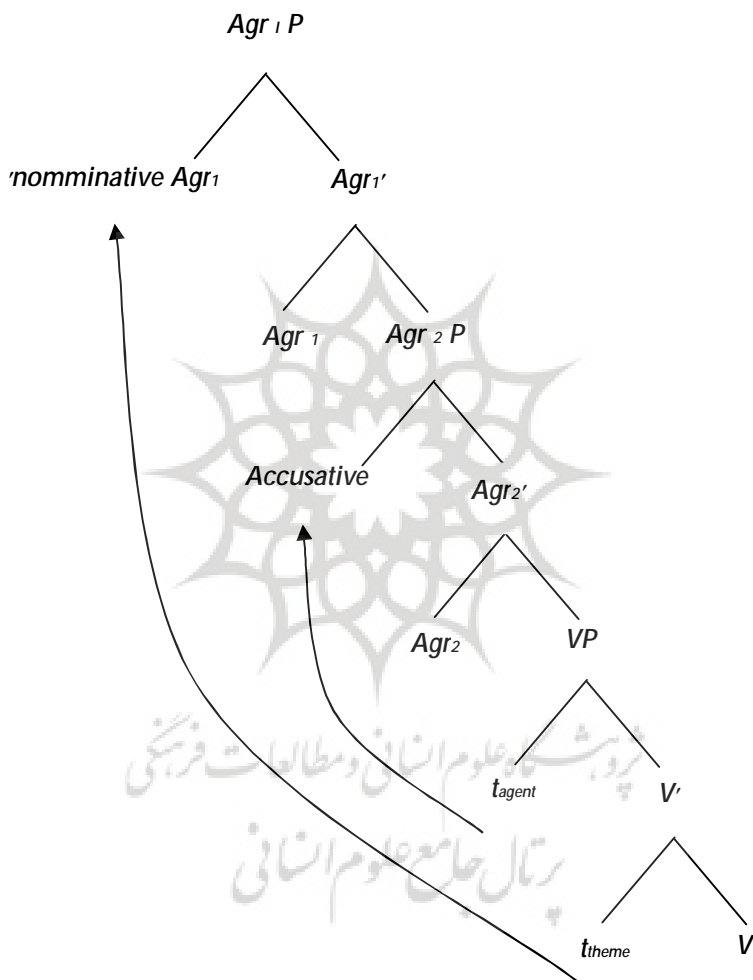
8 - non - arguments

9 - *Generalized Visibility*

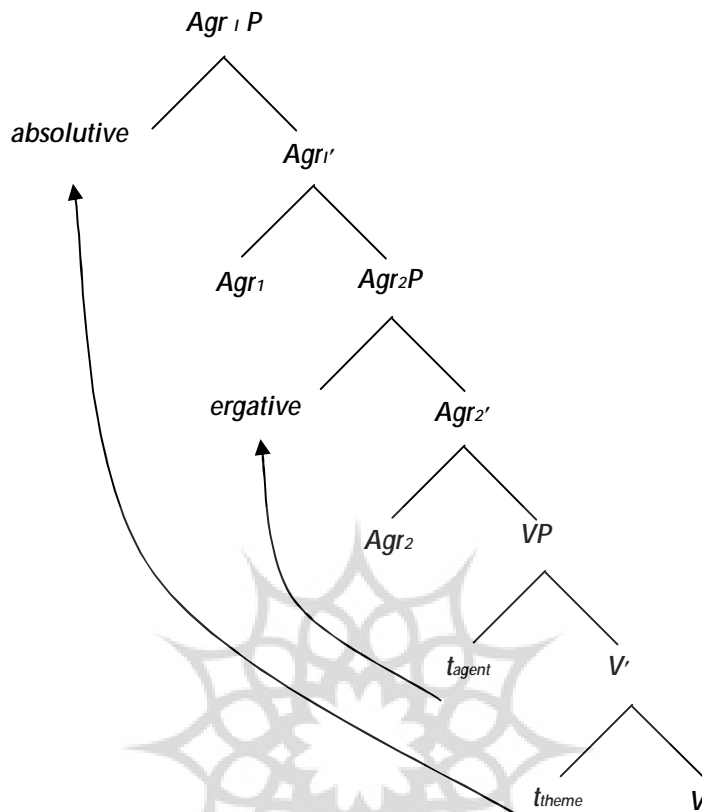
10 - Sholnsky

11 - If X is a potential case - bearing elements, X can be interpreted at level  $\alpha$  only if is case - Marking at level  $\alpha$ .

براساس این رویکرد، حالت بخشی شرط اولیه تفسیر است، تفسیر به معنای تفسیر آوایی در سطح آوایی و تفسیر معنایی در سطح منطقی است. به عنوان مثال عناصر صوری مثل *there* قابل تفسیر نیستند مگر این که در سطح آوایی حالت بگیرند ولی عنصری مانند *PRO* که فاقد تجلی آوایی است نیاز به آن دارد که در سطح منطقی تفسیر شود. فیلیپس نمودار شماره (1) را برای ساخت زبان‌های فاعلی - مفعولی و نمودار شماره (2) را برای زبان‌های ارگتیو ترسیم نموده است:



نمودار شماره 1 - انگاره زبان‌های فاعلی - مفعولی



نمودار شماره 2 - انگاره زبان‌های ارگتیو

نمودارهای فوق تداعی کننده دو فرضیه هستند:

1 - فرضیه فاعل درون گروه فعلی<sup>12</sup>

2 - فرضیه تصریف دو جزئی<sup>13</sup>

فرضیه‌های فوق از تعدیل‌ها و بازنگرهای مهمی هستند که در قواعد ایکس تیره صورت گرفته است. در فرضیه فاعل درون گروه فعلی جایگاه بنیادین فاعل در ژ - ساخت مشخص‌گر

12 - Internal Subject Hypthesis

13 - Split INFL hypothesis



گروه فعلی [spec, VP] قرار دارد ولی در نظریه ایکس تیره جایگاه بنیادین فاعل در ژ - ساخت مشخص‌گر گروه تصریف [spec, IP] قرار دارد.

فرضیه تصریف دو جزئی نیز توسط پولاک پیشنهاد شده است، براساس این فرضیه گروه تصریفی را باید به دو گروه مستقل «گروه زمان<sup>14</sup>» و «گروه مطابقت<sup>15</sup>» تجزیه کرد و به عبارتی هرکدام یک گره نحوی را در نمودار درختی به خود اختصاص می‌دهند.

در نمودارهای فوق نیز، که فاعل در سطح ژ - ساخت در جایگاه مشخص‌گر گروه فعلی قرار دارد در سطح ر - ساخت به جایگاه مشخص‌گر گروه مطابقت انتقال می‌یابد. از ویژگی‌های دیگر نمودارهای فوق رعایت اصل اقتصاد در اشتقاق است و به عبارتی موضوع‌ها برای دریافت حالت کوتاهترین مسیر را طی می‌کنند.

از آنجا که در زبان کردی، ساختار دستوری جمله با تغییر زمان آن از حال به گذشته دستخوش تغییر می‌گردد باید گروه زمان را نیز به نمودارهای فوق در زبان کردی اضافه نمود. و از آنجا که ترتیب متعارف سازه‌ها در زبان کردی [SOV] است موضوع ارگتیو باید بالاتر از موضوع مطلق قرار بگیرد.

براساس داده‌های موجود در کردی مهابادی به این نتیجه رسیدیم که واژه‌بست‌ها جزء لاینفک ساختار جملات در زمان گذشته هستند ولی در نمودارهای فوق جایگاه واژه‌بست‌ها توجیه و تبیین نشده است.

رابرتز تنها پژوهشگری است که به جایگاه بنیادین واژه‌بست‌ها در نمودار درختی اشاره‌ای نموده است.

رابرتز<sup>16</sup> (2000: 78) در پژوهش خود در زبان پشتو<sup>17</sup>، به نقل از سپورتیش<sup>18</sup> اظهار داشته است که از آنجا که واژه‌بست‌ها در بعضی از زبان‌ها از ویژگی موضوع‌ها فعل و در بعضی از زبان‌ها از ویژگی مطابقت بهره‌مند هستند، می‌توان یک رویکرد واحدی را برای واژه‌بست‌ها ارائه داد. بر این اساس در این تحقیق یک گره نحوی جداگانه‌ای در نمودار درختی برای واژه‌بست‌ها پیشنهاد داده است به طوری که گروه واژه‌بست پایین‌تر از گروه زمان و بالاتر از

14 - Tense phrase

15 - Agreement phrase

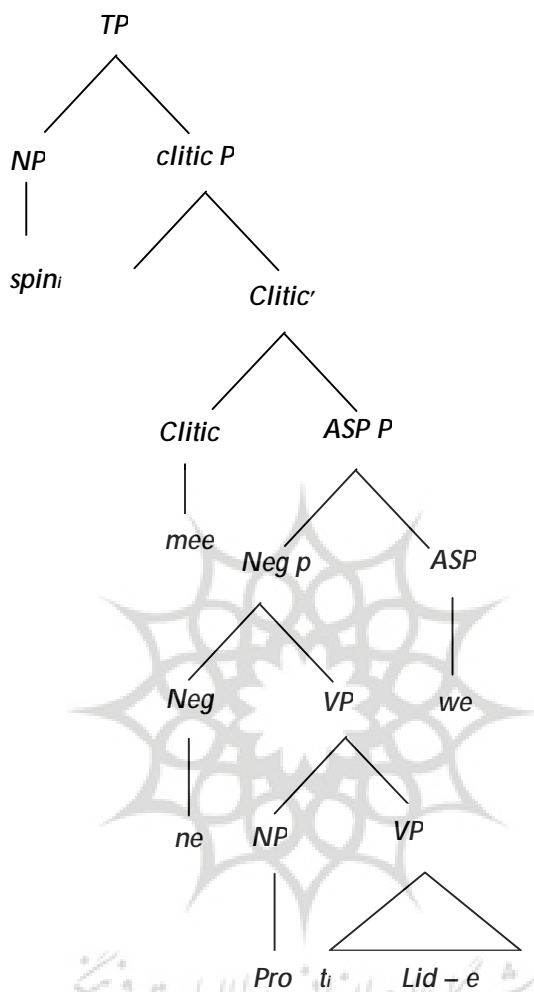
16 - Taylor roberts

17 - زبان پشتو یکی از زبان‌های ایرانی شرقی است که واژه‌بست‌ها نقش مهمی را در ساختار دستوری جملات در این زبان ایفا می‌کنند.

18 - Sportiche



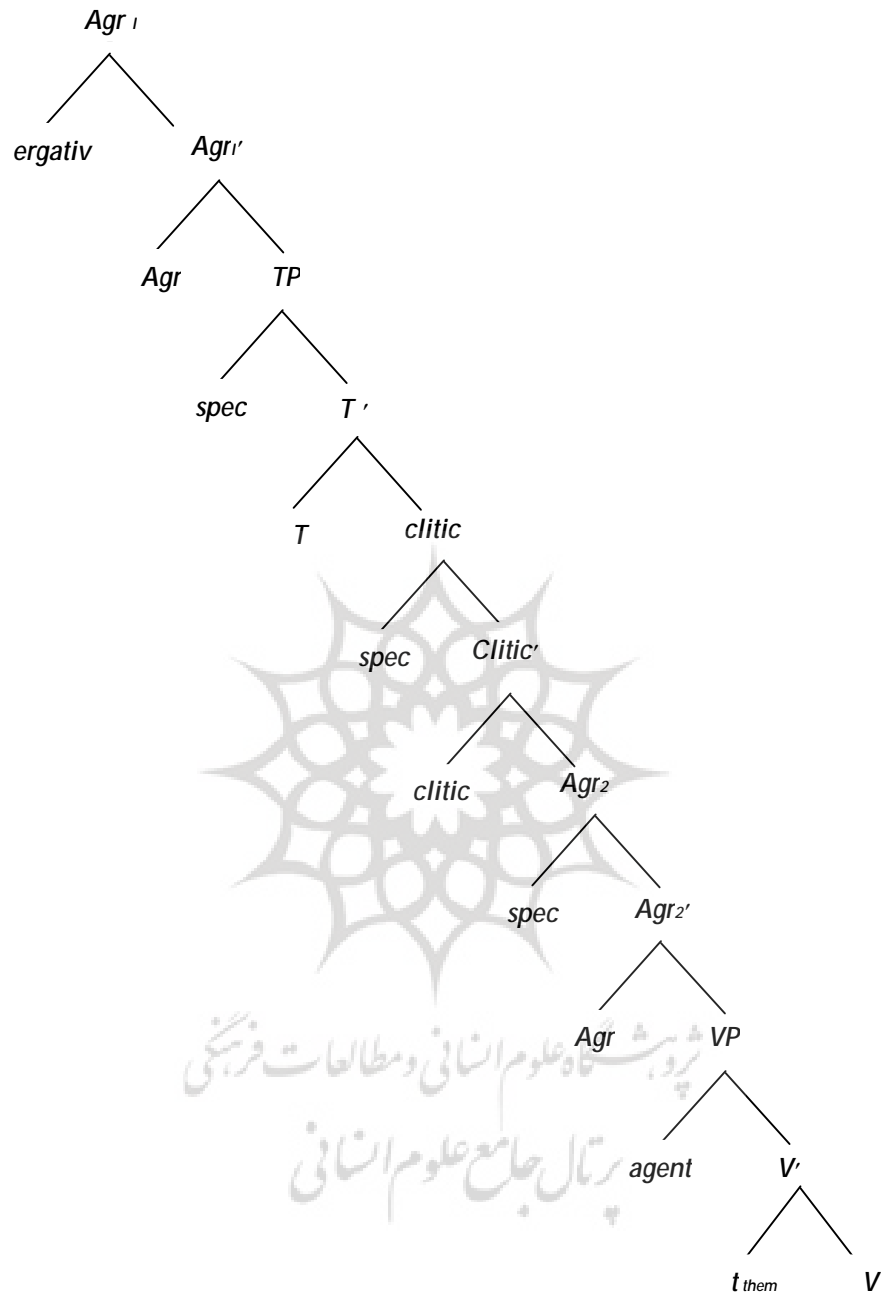
وی نمودار زیر را برای مثال فوق ارائه داده است:<sup>19</sup>



نگارنده نیز براساس توضیحات و نمودارهای ارائه شده در آن اثر، و همچنین نمودارهای ارائه شده توسط فلیپس ساختار دستوری زبان کردی (گوش‌های هورامی و سورانی)<sup>20</sup> را در زمان گذشته براساس نحو ایکس تیره به صورت زیر پیشنهاد می‌کند:

19 - در این زبان نمود یکی از عوامل تغییر ساختاری می‌باشد.

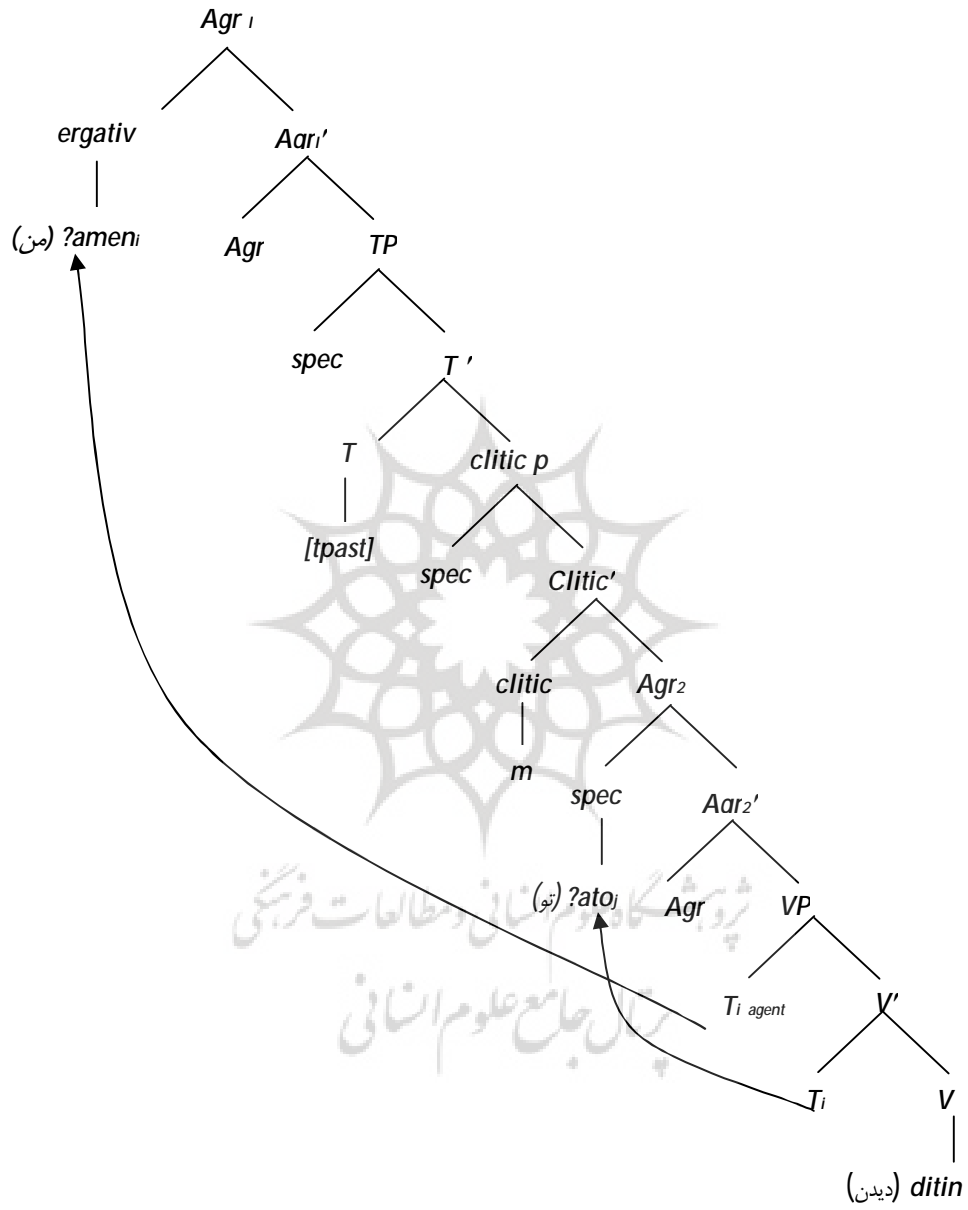
20 - در گوش هورانی نیز واژه‌بست‌ها در زمان گذشته جز لاینفک ساختار دستوری هستند.



نمودار شماره 4 - انگاره زبان کردی (گویش سورانی / هورامی)

مثال: من تو را دیدم.

40. (?amen) ?ato – m dīt  
 من تو دیدن



## نتیجه‌گیری

از این مقاله چندین نتیجه می‌توان استخراج کرد:

- 1 - واژه‌بست‌ها در زبان کردی به لحاظ نحوی آزاد و به لحاظ آوایی وابسته هستند.
- 2 - واژه‌بست‌ها می‌توانند یک گره نحوی جداگانه در نمودار درختی براساس نحو ایکس تیره به خود اختصاص دهند.
- 3 - زمان یکی از عواملی است که ساختار دستوری را در زبان کردی دستخوش تغییر می‌کند به طوری که در زمان حال از ویژگی زبان‌های فاعلی - مفعولی و در زمان گذشته از ویژگی غیرفاعلی - مفعولی برخوردار است.
- 4 - علاوه بر زمان تمایز میان ضمایر متصل و منفصل یکی دیگر از عواملی است که ساختار دستوری آن را در زبان کردی مهابادی دستخوش تغییر می‌کند.
- 5 - حالت‌نمایی در کردی مهابادی نمایانگر آن است که تنوع رده‌شناختی حالت‌نمایی فراتر از زبان‌های فاعلی - مفعولی و ارگتیو است.
- 6 - پژوهش حاضر بیانگر این واقعیت است که مرز میان زبان‌های فاعلی - مفعولی و ارگتیو همیشه از جایگاه ثابتی برخوردار نیست.

## منابع

- Bynon, Theodora. 1979. *The Ergative Construction in Kurdish*. London.
- Chomsky, Noam. 1981. *Lectures on Government and Binding: The Pisa Lectures*. Berlin and New York: Mouton de Gruyter.
- Colin, Philips. 2005. *Ergative Subject*. CSLT press.
- Crystal, David. 1920. *An Encyclopedic Dictionary of Language and Languages*. New York: Blackwell.
- Durroei, Siamak. 2005. *Haw rame / Dimili as Middle Kurdish*. <http://www.cogsci.ed.ac.uk/~rsimkr/kurdish/stand/hawrami.html>.
- Haegeman, Liliane. 1991. *Introduction to Government and Binding Theory*. Massachusetts: Blackwell.
- Haig, Geoffery. 1998. *On the Interaction of Morphological and Syntactic Ergativity*. Australia, Canberra: Australian National University.
- \_\_\_\_\_. 2004. *Alignment in Kurdish: a Diachronic Perspective*. vorgelegt von.

- Hook and Modi. 2005. *Ergative – Absolutive Language*. Wikipedia, the Free Encyclopedia.
- \_\_\_\_\_. 2005. *Fluid Ergativity in Gujarati*. University of Michigan.
- \_\_\_\_\_. 2006. *Kurdish Language*. <http://www.gundeom.com/eng/Language/index.cfm>.
- Kroeger, Paul R. 2005. *Analyzing Grammar*. Cambridge University Press ISBN: 0521016533.
- Leezenberg, Michiel. 2005. *Gorani Influence on Central Kurdish*. Department of Humanities, University of Amesterdom.
- Odden, David. 2004. *Ergativity and Role – Marking in Hawrami*. Ohio State University.
- Roberts, Taylor. 2000. *Clitics and Agreement*. mitwpl@mit.edu-<http://mit.edu/mitwpl/>. Cambridge: MA 02130USA.
- Trask, R.L. 1996. *Historical Linguistics: Lectures in Linguistics*. University of Sussex.

